

لزوم توجه به حقوق سوژه و حفظ اخلاق در عکاسی خیابانی

پیمان دانشور آقچای

عکاسی خیابانی^۱ طی سال های اخیر به عنوان سبکی نو در جهان مورد استقبال عموم قرار گرفته است. همانطور که از نام آن بر می آید این سبک از عکاسی در ارتباط مستقیم با خیابان است. عکاسی همراه با حس پرسه زدن بدون هیچ ایده یا هدف خاصی که صرفاً به منظور کنجکاوی در بستر خیابان صورت می گیرد (وب^۲، ۱۳۹۸: ۴۶)، مسلماً دامنه گسترده ای از انسان ها، اشیاء و طبیعت بی جان در قاب ها را شامل می شود. در مورد اشیاء ساخته دست بشر و طبیعت بی جان لزومی بر رعایت حق و حقوقی در قبال شان حس نمی شود اما در مورد مردمی که به عنوان سوژه عکاسان خیابانی ثبت می شوند باید و نباید هایی وجود دارد که گاه حتی نانوشته هستند و باید مورد توجه قرار گیرند. در غیر این صورت است که عکاس در رویارویی با نهاد قانون و اشخاص حقیقی درون کادر هایش، به طرق مختلف ملزم به پاسخگویی است. بنا بر شیوه عکاسی کاندید^۳، که یکی از رویکرد های اصلی در عکاسی خیابانی است؛ ما برای ثبت لحظه ای که سوژه از ثبت شدن آن بی خبر است اقدام می کنیم اما آیا سوژه ما از حضورش در عکس راضی است؟ اگر قبل از عکاسی اجازه بگیرد افراد با ظاهر متفاوتی روبرو دوربین قرار می گیرند. اگر پس از آن بپرسید، ناچار می شوید یک عکس خوب را پاک کنید. (لوتارد^۴، ۱۳۹۸: ۶۳) سؤال دیگر این است که آیا قانون به ما (عکاس) اجازه عکس برداری از افراد در حریم خیابان به عنوان فضایی عمومی را می دهد؟ و مهم تر از دو پرسش قبلی این سوال وجود دارد که به طور کلی فضای عمومی، فضای خصوصی و حریم شخصی چیست و در عکاسی خیابانی چگونه تعریف می شود؟ پاسخ به این سوالات و جستجو پیرامون مباحث نظری مرتبط با مفاهیم ذکر شده در آن ها می تواند در آگاهی بخشیدن به عکاسان خیابانی در حوزه حقوق و اخلاق کمک شایانی نماید.

هر فرهنگی آداب و سنت های خودش را دارد و هر گروهی از آدم ها تعریف متفاوتی از حریم خصوصی و فضای شخصی را دارند. پس، عکاسی در خیابان ها در فرهنگ های مختلف نیز ناگزیر به راهبرد های متفاوتی نیاز دارد. (وب، ۱۳۹۸: ۳۲) این مفاهیم در ارتباط مستقیم با مباحث حقوقی، مردم شناسی و جامعه شناسی می باشند و برای بررسی آن ها لازم است مجموعه ای از فاکتور ها را در نظر گرفت اما قبل از همه این موارد لزوم توجه به جغرافیای هدف عکاس از اهمیت بالایی برخوردار است. در هر گوشه از جهان ممکن است رویکرد های متفاوتی

۱ - Street Photography

۲ - Alex Webb

۳ - Candid Photography

۴ - Thomas Leuthard

نسبت به رعایت اخلاق در عکاسی خیابانی وجود داشته باشد که بخشی از آن‌ها بر گرفته از فرهنگ بومی، آداب و رسوم و سنت‌های عرف جامعه بوده و بخشی دیگر نیز در بطن قواعد مکتوب تحت عنوان قانون اساسی و مدنی هر کشوری تدوین شده است (در کشور ما به طور خاص قانون مجازات اسلامی) و هر شخصی در داخل آن کشور ملزم به رعایت آن‌ها است. لذا توصیه عمومی بر این است که قبل از اقدام به عکاسی خیابانی در هر جغرافیای جدیدی قوانین مرتبط به فضاهای عمومی و فرهنگ بومی منطقه مورد مطالعه قرار گیرد. در این میان برخی عکاسان خیابانی نیز هستند که هر یک رویکردی شخصی را نسبت به مسئله اخلاق در عکاسی خیابانی پیش گرفته و کسب اجازه از سوژه انسانی عکس خیابانی را ملزم به نیت قلبی و قضاوت صحیح خود می‌دانند. (لوپس،^۵ ۱۳۹۵: ۴۸) در ادامه به اختصار به برخی از این رویکردها و مفاهیم‌شان اشاره می‌شود.

حریم خصوصی یعنی یک فرد بتواند اطلاعات مربوط به خود را مجزا کند و در نتیجه بتواند اطلاعاتش را با انتخاب خویش در برابر دیگران آشکار کند. بر این اساس همه افراد حق دارند تصویر یا صدای خود را از دیگران بپوشانند و اخذ تصویر و صدا از خود را ممنوع کنند. قلمرویی از زندگی هر شخص که آن شخص، با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند، یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعاتی در مورد آن دسترسی نداشته باشند و یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۰) بر اساس قانون عکاسی در حریم خصوصی از افراد ممنوع بوده و در صورت انجام گرفتن و شکایت فرد به مراجع قانونی، این عمل اقدامی مجرمانه تلقی شده و با شخص خاطی برابر قانون برخورد خواهد شد. بنابراین تجاوز به حریم شخصی دیگران (عکاسی) تحت هر شرایطی ممنوع است. بر اساس تعاریف ذکر شده، اماکن خصوصی که متعلق به فرد یا در تصرفش است می‌تواند انواعی از خانه‌های مسکونی، انواع چادرهای قابل سکونت، انواع وسایل نقلیه مسقف و به طور کلی هر کجا که عرفاً به آن منزل اطلاق می‌شود را شامل شود. بخش‌های مشترک در آپارتمان‌ها، هتل‌ها یا فضا‌های بیمارستانی و به طور کلی تمام اماکن اشتراکی و به طور خاص خیابان از این تعریف (منزل) خارج هستند.

اما در مورد اماکن عمومی بحث بسیار گسترده و پیچیده تر است. در بیشتر موارد واکنش عکاسان این است که وقتی شما در یک فضای عمومی باشید می‌توانید هر عکسی که خواستید بگیرید. این استدلال صحیح است؛ دست کم از لحاظ قانونی و حقوقی صحیح است. اما در واقع این پاسخ نمی‌تواند پاسخگوی مشکل و مسأله موجود باشد. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۳) همانطور که پیشتر اشاره شد بهتر است عکاسان با مطالعه فرهنگ بومی جغرافیای مورد نظر و قوانین حاکم بر آن از هنجارها و چالش‌های اخلاقی و ماجراجویی خود آگاه باشند. به طور خاص جمع‌گیری از عکاسان خیابانی بین خود توافق نانوشته‌ای را رقم زده‌اند که کارشان کم و بیش درست است. اما واقعیت این است که اگر بخواهیم اخلاق در عکاسی را پیش از خود عکاسی اولویت قرار دهیم؛ لاجرم باید در نظر بگیریم

بسیاری از مردم دوست ندارند که بدون اجازه سوژه ی عکس قرار بگیرند، به همین دلیل عکاسان باید نسبت به این موضوع دقت بیشتری داشته باشند. به عبارت دیگر، ممکن است از لحاظ حقوقی و قانونی عکاسی از یک نفر در فضای عمومی بلامانع باشد؛ اما این که موضوعی قانونی باشد، لزوماً به این معنی نیست که اخلاقی هم هست. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۴) افراد بسیاری هستند که فکر می کنند نباید از موقعیت ها و افراد خاص (روشن دلان، کم توانان یا ناتوانان جسمی یا ذهنی، بیماران یا آسیب دیدگان در حال احتضار و...) عکاسی کرد اما این کاملاً به شما بستگی دارد که از چه موضوعاتی عکس بگیرید تا زندگی را، به جای طراحی صحنه ها یا تغییر حالت طبیعی سوژه ها؛ همانطور که هست در عکس هایتان بازتاب دهید. (لوتارد، ۱۳۹۸: ۸۰) مسلماً در هر کشوری قوانین مربوط به این حوزه متفاوت بوده و نیازمند بررسی و مطالعه دقیق است اما در این جا مثالی را که مربوط به برخی از ایالت های کشور آمریکا می باشد و بر طبق اعلام اتحادیه های آزادی مدنی آمریکا تدوین شده است؛ آورده می شود. در مکان های عمومی که به صورت قانونی حضور شما به عنوان یک شهروند در آنجا مانعی ندارد (تعریف مکان عمومی در قانون آمریکا)، می توانید از هر چیزی که در زاویه دید شماست عکاسی کنید. اما زمانی که در حوزه ی خصوصی قرار دارید، مالک آن مکان است که باید به شما اجازه عکس برداری بدهد. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۸) در کشور ما ایران اما به دلایل گوناگون امنیتی، اجتماعی و قضایی عکاسی در مکان های عمومی که در تملک سازمان ها یا نهاد های دولتی (مانند شهرداری ها، فرمانداری ها و...) می باشند فقط با کسب اجازه از آن ها و با صدور مجوز رسمی از سمت مالکین دولتی این فضا ها امکان پذیر است. متن زیر مصاحبه ای است که در یکی از شماره های مجله ای حوزه معماری و شهرسازی^۶ با موضوع «آیا ترمینال فضایی عمومی است؟» منتشر شده است:

در میان تمام حرف ها و حدیث ها درباره ممنوعیت عکاسی و گفت و گو در فضاها ی عمومی، یک نگاه در بدنه اجرایی شهرداری جاری است: فضای عمومی، برای عموم نیست. اختیارش دست شهرداری است. در انبوه تلفن هایم، یکی از مسئولان حراست شهرداری بدون تعارف این نگاه را برایم با ذکر مثال تشریح می کند: «خانوم شما مگه وقتی وارد ملک کسی می شید، ازش اجازه نمی گیرید برای عکاسی؟ خب ترمینال هم ملک شهرداریه دیگه. باید ازش اجازه بگیرید.»

عکاسی خیابانی، همواره یکی از جذاب ترین بخش های عکاسی است. این بخش در دنیا قوانین مخصوص به خود را دارد؛ اما در ایران هیچ قانون مدونی در این باره وجود ندارد. این نبود قانون مشخص باعث ایجاد حساسیت در لایه های مردم می شود و به طبع این حساسیت به عکاس هم منتقل خواهد شد. بر این اساس برخورد سازمان ها و نهاد های امنیتی و حساسیت های مردمی باعث می شود عکاسی مستند به خصوص عکاسی خیابانی دشوار و گاه ناممکن شود. در دنیا وظایف و حدود عکاسان مشخص است؛ مثلاً در محلی که تابلو «عکاسی ممنوع» (مانند

مناطق نظامی در ایران) نصب شده باشد نمی توانند عکاسی کنند؛ اما در ایران اینطور نیست؛ هر جا قانونی دارد. معمولاً عکاسی خیابانی را به همین شکلی که هست نمی توان غیراخلاقی دید. اما آن چه نگران کننده است این است که برخی از عکاسان خیابانی هستند که سعی در پاک کردن صورت مسأله‌ی نگرانی های اعضای جامعه دارند. اگر تعداد بسیار زیادی از افراد دوست نداشته باشند که عکس‌شان در خیابان ثبت شود، آن گاه یک مسأله‌ی مهم اخلاقی وجود دارد؛ یک مسأله‌ی اخلاقی که نه امکان پذیر است و نه بایسته است که با تصمیم فردی عکاس حل شود. در عمل غیرممکن به نظر می رسد که بخواهیم از همه‌ی افراد درون یک قاب، برای عکاسی مجوز بگیریم. با این وجود اگر کسی باشد که مشخصاً نسبت به گرفته شدن عکس از خودش حساسیت داشته باشد، یا این که از ما بخواهد بعد از ثبت عکس، تصویرش را پاک کنیم، لازم است به چنین خواسته‌هایی احترام گذاشت. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۶) امروزه اما با رشد روزافزون استفاده از تلفن های همراه هوشمند و دوربین های تعبیه شده در آنها که خروجی آنها گاه از نظر کیفی حتی با دوربین های نیم حرفه‌ای و حرفه‌ای برابری می کند و با در نظر گرفتن این امر که استفاده از این دوربین های کوچک همراه به وفور صورت گرفته و در جایگاه امور روزمره مردم برای شان عادی تلقی می شود دید کلی جامعه و عموم مردم نیز نسبت به عکاسی خیابانی بهتر شده و در مقایسه با سال‌های گذشته مردم پذیراتر هستند تا عکس بی‌هوا^۷شان در خیابان توسط عکاسی خیابانی ثبت شود.

درنهایت این که هر عکاس خیابانی چقدر می‌تواند در موقعیت خاصی بپلکد تا حد زیادی به لطف دیگران بستگی دارد. (وب، ۱۳۹۸: ۳۲) عکاس باید عکاسی را بلد باشد و به مرور زمان تجربه کسب کند. عکاس خیابانی باید در مورد روانشناسی توده مردم اطلاعات کافی داشته باشد. (حاجب، ۱۳۹۷: ۱۱۷) و باید به این نکته توجه داشته باشد که تعریف کلی عکاسی خیابانی، عکاسی تصادفی و بدون اجازه است و اگرچه نظرات مختلفی در رابطه با این موضوع وجود دارد، اما اجازه گرفتن هنگام عکاسی از سوژه ها در واکنش آنها به دوربین تأثیر خواهد گذاشت. هنگامی که افراد مقابل دوربین ژست می گیرند، نمی‌توانید روح واقعی آنها را ثبت کنید. اما هنگام که از آنها به صورت بی‌هوا عکس می‌گیرید انعکاس شخصیت واقعی آنها را با خلوص بیشتری خواهید دید. (کیم^۸، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

^۷- Candid

^۸-Erik Kim

منابع

وب، الکس و وب، ربکا نوریس، (۱۳۹۸)، در باب عکاسی خیابانی و تصویر شاعرانه، طلیعه عابدزاده، کتاب پرگار، تهران

لوتارد، توماس، (۱۳۹۸)، عکاسی بی‌هوا، پویا پرهامی و روزبه ملکی، کتاب پرگار، تهران

لوئیس، گوردون، (۱۳۹۵)، عکاسی خیابانی، امیر حکمت حکیمی، کتاب آبان، تهران

کیم، اریک، (۱۳۹۵)، عکاسی خیابانی با اریک کیم، شاهین غفاری و نیما رجبی، تیسرا، تهران

حاجب، زهرا، (۱۳۹۷)، عکاسی و سینما در حقوق ایران و بین‌الملل، حله، بوشهر

هاشمی، سمیرا، (۱۳۹۷)، اجازه ما هم دست شماست، حوالی (ترمینال)، شماره یک، صفحه ۹۹-۱۰۳